



گرایش‌های قرآن پژوهی شیعی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی /

الگوی پیشنهادی برای مطالعه و دسته‌بندی

فرهنگ مهر و ش *



ترجمه روان فارسی او، تلاشی به منظور همگانی کردن قرآن بود.^۲ محمدعلی شاه‌آبادی (۱۲۹۲-۱۳۶۹ق / ۱۲۵۴-۱۳۲۹ش) نیز به عنوان یک معلم اخلاق، به همان عصر تعلق داشت و دغدغه قرآن‌محوری او در بازخوانی اخلاق، در تربیت چهره‌هایی چون امام خمینی (ره) بازتاب یافت.^۳ در همان دوره حتی شخصیتی مانند احمد کسروی نیز - که کتاب‌سوزی به راه انداخته و با سنت کهن بر سر کین بود - کوشش‌های خود را در مسیر احیای حقیقت قرآن می‌شناساند^۴ و با همه شذوذ و بددینی که داشت، مدعی لزوم اصل عمل بود. یک نسل بعد، چهره‌هایی هم‌چون علامه محمدحسین طباطبایی، یا مهدی بازرگان،^۵ و طیف شاگردانشان، هر یک از منظری و با خاستگاه اجتماعی متفاوتی، جریان احیای قرآن را با دغدغه‌هایی اجتماعی چون اصلاح فرهنگ عمومی، نظام سیاسی و از این دست، پی گرفتند.

از دهه ۱۳۳۰ش به بعد، به تدریج حداقل سه یا چهار اتفاق بسیار مهم روی داد که در تسریع این روند مؤثر واقع شد: نخست، اهتمام جدی محافل طلاب قم به قرآن‌پژوهی بود. پیش از آن عموم طلاب داران احیای قرآن (هم‌چون شاه‌آبادی، شعرانی، شریعت سنگلجی و...)، به محیط فرهنگی تهران تعلق داشتند و متأثر از جو و دغدغه‌های آن شهر می‌اندیشیدند. این تحول تدریجی و مهم در قم با ظهور علامه طباطبایی و تربیت شاگردانی قرآن‌پژوه در این شهر

مقدمه

نمی‌توان منکر شد که توجه به قرآن و تلاش برای بازفهمی آن، در شکل‌گیری جامعه کنونی ایران چه تأثیری داشته است. صاحبان طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها در عرصه اجتماعی ایران معاصر به قرآن اهتمام ورزیده‌اند. از اوایل سده جاری شمسی، کوشش‌های فراوانی برای به میان کشیدن فکر دینی در جامعه، و استمداد از آن برای حل مشکلات اجتماعی و گروه‌های کور رفتار سیاسی، فرهنگی و اخلاقی ایرانیان، در قالب جریان‌های فکری مختلف پی گرفته شد. شخصیتی هم‌چون علامه شعرانی گرچه کم‌تر برای ما در قالب آثار شناخته شده است، با تربیت شاگردانی چون حسن حسن‌زاده آملی، عبدالله جوادی آملی، علی‌اکبر غفاری صفت و دیگری از این دست، مَه‌ری از شخصیت خویش، بر فرهنگ امروزین ما زدند. شعرانی معتقد بود قرآن باید برای همگان قابل درک باشد؛^۱ آن‌سان که بتوانند افادات عالمان دین را نقد و بر پایه قرآن رد یا تأیید کنند. مهدی ال‌هی قمشه‌ای را نیز باید از پیروان همین طرز فکر تلقی کرد؛ که



شکل گرفت.

رویداد مهم دوم، تأسیس دانشگاه تهران بود؛ که عملاً به پایگاهی برای چهره‌های نوظهور تبدیل شد. فضای دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، فنی - مهندسی، الاهیات، پزشکی، و... از این حیث تا حدود زیادی متمایز بود و هر یک در کاوش‌های قرآنی و بذل توجه بدان، روشی خاص خود را پی می‌گرفتند. امثال مهدی بازرگان، یدالله سحابی^۶، رضا پاک‌نژاد^۷ و... همگی در این فضاها بالیدند و اثر گذاشتند.

عامل مهم سوم، تلاش‌های حکومت پهلوی در احیای ایران باستان و عظمت دیرین و افسانه‌ای آن بود؛ که وقتی با دغدغه‌های پیشرفت‌گرای مدرن عموم روشنفکران همراه می‌شد و ظهور اسلام و رواج اندیشه اسلامی را مقارن با افول آن عظمت باستانی قلمداد می‌کرد، عملاً قرآن‌باوران را به چالش می‌کشید. در این میان، یکی بنیادگرایانه ترویج می‌کرد که هر بلایی بر سر ما آمده، از دل سپردن به آیین اسلام است و دیگری، بنیادگرایانه، اما با نگرشی متفاوت، هر آن‌چه را متعلق به پیش از اسلام بود، منفی و زشت ارزیابی می‌کرد و دیگری، چون مرتضی مطهری، از «خدمات متقابل اسلام و ایران» می‌گفت^۸، یا چون حمید عنایت، ناممکن بودن باور به گسست تاریخ و فرهنگ ایران را در یک دوره ۱۴۰۰ ساله پس از اسلام گوشزد می‌کرد.^۹ این میان جولانگاه بسیاری اندیشه‌های دیگر نیز بود که هر یک به نحوی در میانه طیف، خودنمایی می‌کردند. مثلاً، پژوهش‌گرانی کوشیدند نمونه‌هایی از حضور فرهنگ ایران باستان را در اندیشه‌ها، افکار، روایات و تفاسیر اسلامی سراغ دهند.^{۱۰}

چهارمین، مقارن شدن دهه‌های ۳۰-۵۰ ش با انقلاب‌های گوناگون در جای‌جای دنیا بود؛ از کوبا و شیلی در امریکا گرفته، تا الجزایر و لیبی در افریقا، و تا عراق و سوریه در همسایگی ایران.^{۱۱} این امر سبب می‌شد تا کوشش برای بازسازی اجتماعی دغدغه‌های جدی برای اندیشمندان ایرانی باشد. در این میان، دین‌باوران هم باید الگویی برای اصلاح عرضه کنند. به این ترتیب، کوشش برای بازگشت به قرآن و تلاش برای بازفهمی آن، ضرورت می‌یافت؛ یک بازفهمی منتقدانه نسبت به روش گذشتگان، که قرآن را تنها برای ثوابش می‌خواندند و به درس‌های اجتماعی آن توجهی نداشتند.^{۱۲}

بدین سان، فضای ایران پیش از انقلاب، جریان‌های پرشماری را در رویارویی با قرآن به خود دید. ناگفته پیداست که با به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، عملاً بازنشاسی فکر دینی بیش از پیش ضرورت یافت. فضای بعد از ۱۳۵۷ ش در ایران، دوران رشد و افول تدریجی و کشاکش جریان‌های مختلف فهم قرآن است. برخی جریان‌های کهن، در این دوران طرفداران خود را از دست دادند و برخی جریان‌های نوظهور نیز، طرفدارانی یافتند.

در وسع اطلاع من هرگز به زبان فارسی کاوشی در زمینه

بازشناسی این جریان‌ها صورت نگرفته است.^{۱۳} اکنون در صدد نیستیم فهرستی کامل از این جریان‌ها و پیروانشان، و نمونه‌هایی از ادبیاتی که هر یک بنیاد نهاده‌اند، عرضه کنیم. با این حال، می‌توان با نگاهی اجمالی به مشهورترین آثار دهه‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب، اهم جریان‌ها را در قالب یک طبقه‌بندی عرضه داشت. به امید آن که روزی کوشش برای شناسایی دقیق این جریان‌ها و جریان‌های مشابه، و تلاش برای طبقه‌بندی علمی آن‌ها جدی گرفته شود. آن‌چه اکنون در پی می‌آید، هرگز یک استقصای روش‌مند و آمار محور نیست و تنها طرحی خام برای چنین کاوشی است.

مقایسه میان این جریان‌ها و سایر جریان‌های فرهنگی کشور، می‌تواند به ما بنمایاند که کدامین اندیشه‌ها در تعامل با معارف اسلامی سیر بومی شدن خویش را می‌پیمایند و کدام‌ها هنوز در این مسیر قرار نگرفته‌اند. از دیگر سو، با نظر به این دسته‌بندی می‌توان جایگاه آموزش علوم قرآن و حدیث و ترویج آن را آسیب‌شناسی کرد.

گفتنی است که در این طرح، بیشتر به جریان‌ها و اشخاصی توجه شده است که قرآن کریم، ترجمه و نوشته، یا ترجمه کرده، به وجود آورده‌اند. هرگاه قرآن به معنای موسع مستلزم تلاشی برای بازنشاسی فهم‌های قرآن، حتی در خلال آثاری خارج از این حیطه است.

نکته دیگر این که به اقتضای محدودیت‌های طبقه‌بندی، گاه اشخاصی را به سبب برخی آثار مرتبط با فهم قرآن، در ذیل یک صنف گنجانده‌ام؛ که ممکن است نظر دقیق در سایر آثارشان، چنین جایگاهی را در طبقه‌بندی به چالش کشد؛ که طبیعی است و از آن چاره‌ای نیست. به هر حال، ملاحظه آثار متعدد مرتبط با قرآن این واقعیت را آشکار می‌سازد که متفکران ایرانی گاه در رویارویی با قرآن به راهی رفته‌اند که در سایر آثار خویش نیموده‌اند؛ امری که در جای خود شایان تحلیل و توجه است.

به همین ترتیب، نیز ممکن است گاه جریان‌هایی را که در واقعیت اجتماعی بسیار از هم فاصله و اختلافات سیاسی - فکری متعددی دارند، به اقتضای منطقی طبقه‌بندی، کنار هم جای داده باشم. دیگر آن که نباید از یاد برد برخی اشخاص جریان‌ساز، در دوران پیش از انقلاب زیسته‌اند، اما ترویج و گسترش آثارشان به‌واقع پس از انقلاب اسلامی بوده است. برای نمونه، بسیاری آثار قرآن‌محور مطهری، دستغیب و برخی دیگر، بعد از انقلاب طبع شد. این مطالعه راهی برای دسته‌بندی دقیق این قبیل موارد سراغ نداده است. باز یادآور می‌شویم که طرح زیر کاملاً فرضی و ناپخته است و تا



رسیدن به الگویی جامع از جریان‌های فهم قرآن دوران معاصر ایران، راه درازی است. نیز، لازم است به طریقی مشابه، جریان‌های فهم و تفسیر قرآن و قرآن‌پژوهی در میان اهل سنت ایران نیز کاویده شود؛ امری که نگارنده خود را ناتوان از به انجام رساندن آن یافته است.

روش بحث

وقتی قرار است یک طبقه‌بندی از جریان‌های فهم قرآن بنماییم، چنان‌ها هر دسته‌بندی دیگر، نخست باید از منطق تقسیم و ضرورت آن بحث کنیم. بنای من، تفکیک جریان‌ها بر پایه سه امر بوده است:

نخست، خاستگاه اجتماعی جریان: خواه این خاستگاه، محیط-های دانشگاهی مختلف، حوزه‌های علمیه، و یا حتی محافل فرهنگی متمایزی چون بازار، کانون‌های دینی خانگی یا مؤسسات خصوصی باشند. برای نمونه، خاستگاه اجتماعی برخی متفکران معاصر (هم‌چون علی‌نقی فیض‌الاسلام، یا علی‌اکبر غفاری صفت) را باید بازار تهران و حوزه‌های علمیه مستقر در محیط آن دانست و میان نگرش‌هایشان با تحصیل‌کردگان حوزه‌های علمیه قم تمایز نهاد. به همین ترتیب، تعداد قابل توجهی از روشنفکران دین‌گرای معاصر، تربیت‌یافتگان محفل خصوصی محمدتقی شریعتی در مشهد (کانون نشر حقایق اسلامی) هستند. حتی به نظر می‌رسد که میان طلاب قرآن‌پژوه تحصیل کرده در شهرهای حاشیه‌ای ایران، با نقاط مرکزی چون تهران و قم نیز باید فرق گزارده؛ امری که متأسفانه تا کنون کاویده نشده است.

دوم، جهان‌بینی پیروان آن جریان و مبانی معرفتی‌شان: اندیشمندان معاصر، برخی سنتی می‌اندیشیده‌اند و برخی مدرن. فصل این دو فکر در آن است که اولی تکلیف محور است و دومی حق محور، اولی معتقد است جهان ذهن انسان باید خود را با جهان عین و واقع هماهنگ سازد و هستی «بیش از تلاش برای «تغییر» آن معتقد است؛ و دومی می‌کوشد به کوشش برای «تفسیر» آن چه خود می‌پسندد، عالم خارج را بر اساس زیر و رو کند و باز آفریند. و سنتی کسب معرفت اولی به روش‌های کهن متکی است و بیش از هر چیز بر استدلال مبتنی بر قیاس تأکید می‌ورزد؛ حال آن که دومی به مراحل چهارگانه روش علمی نوین پایبند است و معرفت استقرائی را در صدر می‌نشاند.

متفکران سنتی، معمولاً خاستگاه‌های اجتماعی ریشه‌داری در سنت این مرز و بوم دارند؛ خاستگاه‌هایی چون حوزه‌های علمیه کهن، بازار، و طبقات اجتماعی سنتی چون کشاورزان و کسبه خرده‌پا، روحانیت، و از آن دست. در برابر، متفکران مدرن بیشتر به طبقات کارمند دولت، زمین‌داران بزرگ، صاحب‌منصبان، دانشگاه‌ها، و امثال آن تعلق دارند.

سوم، ارزش‌گذاری فلسفی-اخلاقی ایشان از جهان مدرن در عمل و میزان گرایش به مدرنیته: حق آن است که این‌ها همه در دورانی می‌زیند که جهان، با تفکر مدرن، زیر و رو شده، و هم‌زمان با ظهور پیامدهای مدرنیته، قضاوت‌ها نیز در باره آن اوج گرفته است. آن‌ها در این جو، صرف نظر از خاستگاه اجتماعی خود، یا آبشخور معرفتی‌شان، ممکن است متمایل به مدرنیته و به اصطلاح تجددخواه باشند، یا به عکس، سنت‌گرا. برخی هم سنتی می‌اندیشند و هم، هر گونه اندیشه مدرن را به زیان عموم اجتماع می‌دانند. برخی در آن سرفطیف، مدرن هستند و اصلی‌ترین دغدغه‌شان مدرنیزاسیون فکر افراد و فرهنگ جامعه است. چهره‌های زیادی نیز در میانه‌های این طیف قرار می‌گیرند که مثلاً، در عین تعلق به فضا و فرهنگ و گفتمان سنت، خودآگاه یا ناخودآگاه دغدغه‌های مدرن دارند؛ یا در عین آن که افکاری نوین و خاستگاه اجتماعی نوین دارند، بیش از جهان مدرن، با جهان سنت بر سر مهرند. اینان در عین مدرن‌اندیشیدن، خودآگاه یا ناخودآگاه گمان می‌برند علاج مشکلات جامعه را در جهان سنت باید جست.

به هر روی، منطق حاکم بر این دسته‌بندی، افزون بر خاستگاه اجتماعی افراد، دو امر است: یکی افکار و اندیشه‌هایی که خودآگاه بدان‌ها پایبند شده‌اند و دیگر، افکار و اندیشه‌هایی که بسا ناخودآگاه، یا متأثر از خاستگاه اجتماعی و مکانیسم‌های تسریع‌کننده یا بازدارنده جامعه، در مسیر آن سلوک می‌کنند. به بیانی دقیق‌تر، گرایش‌های نظری و تئوریک اشخاص، به همراه گرایش‌های سلیقه‌ای، بازتابی، روانی، و حتی نوستالژیک ایشان، که بر قضاوت نهایی آن‌ها نسبت به «جهانی در مسیر مدرنیزاسیون» اثر می‌گذارد.^{۱۴}

اهم جریان‌های فهم قرآن در دوره پیش از انقلاب اسلامی

اکنون بر مبنای این تفکیک، می‌توان جریان‌های فهم قرآن در دوره پیش از انقلاب اسلامی را در این چارچوب کلی بازشناخت:

الف) جریان‌های کهن؛^{۱۵}

ب) جریان‌های سنت‌گرا؛^{۱۶}

ج) جریان‌های نواندیش؛^{۱۷}

د) جریان‌های نوحه‌خواه.^{۱۸}

الف) جریان‌های کهن

پیروان این جریان‌ها، نه به لحاظ فکری چندان از جهان جدید اثر پذیرفته بودند و نه اساساً در سیره عملی خویش تمایلی به تغییر هستی داشتند. آن‌ها گرچه خود به سبب تفاوت خاستگاه‌های اجتماعی، آرا و افکاری متمایز نسبت به هم داشتند، هیچ یک به دنبال درانداختن طرحی نو در عالم هستی نبودند. آثار عموم ایشان، تنها تمایز جدی که می‌تواند با گذشتگانی در سده‌های دور داشته باشد، در شیوه آرایه مطالب است، و گرنه از مباحث جدید و پرسش‌های روزآمد در آن‌ها

خبری نیست. اصلی‌ترین اهتمام آن‌ها ترویج سنت کهن، دفاع از باورهای سنتی، و توجه به منازعات علمی و مجادلاتی است که از دیرباز در میان مکاتب کهن رواج داشته است. اهم این جریان‌ها بدین قرارند:

۱. جریان فقهی، خواه با گرایش اصولی در فهم قرآن (چون ابوالقاسم خویی^{۲۸})، یا گرایش اخباری معتدل (چون عبدالحسین دستغیب^{۲۹})، و یا گرایش اخلاقی (چون حسین مظاهری)^{۳۰}؛
۲. جریان کلامی بهایی‌ستیز، که پیروان انجمن حجّتی^{۳۱} بودند؛
۳. جریان وعظی تربیتی، همچون علینقی فیض‌الاسلام^{۳۲}، ابوالقاسم پاینده^{۳۳} و حسینعلی راشد^{۳۴}؛
۴. جریان احیاط‌طلب و سلف‌گرا، خواه با گرایش به سلف شیعه، همچون ابوالقاسم شعرانی^{۳۵}، و در یک نسل بعد، علی‌اکبر غفاری صفت^{۳۶} و خواه با گرایش به سلفیه اهل سنت، چون محمدحسن شریعت سنگلجی^{۳۷}؛
۵. جریان تفسیر جامع‌نگاری سنتی، با آثاری هم‌چون تفسیر جامع سیدابراهیم بروجردی^{۳۸}، یا حجة‌التفسیر عبدالحجّه بلاغی^{۳۹}؛
۶. جریان عرفان شیعی، با شاخص حسن‌زاده آملی^{۴۰}.

ب) جریان سنت‌گرا

این جریان در دوران پیش از انقلاب اسلامی در ایران چندان پرطرفدار نبود. اینان در عین آن که خود، مدرن می‌اندیشند و معمولاً با نهادهای مدرن جامعه هم‌چون دانشگاه در ارتباطند، گرایش‌های فکری سنت‌گرایانه دارند و تمدن عصر جدید را چه از لحاظ مبانی زیبایی‌شناختی، و چه اخلاقی، ناکام و مفلوک می‌دانند. شاخص این جریان‌ها در دوره پیش از انقلاب اسلامی، جریان عرفان مدرن، با شاخص سیدحسین نصر^{۴۱} است که البته - در وسع اطلاع من - این شیوه نگرش او و هم‌فکران ایرانی، در آثار تخصصی مرتبط با قرآن بروز نیافت.

ج) جریان‌های نواندیش

این قبیل جریان‌ها، هم خود - هر یک به درجاتی - نواندیش بودند و هم گرایش به تجدد داشتند و راه علاج مشکلات جامعه را در آن می‌دانستند:

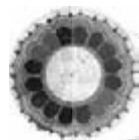
۱. جریان ایدئولوژیک، خواه با گرایش‌های دیالکتیکی، هم‌چون علی شریعتی^{۴۲} یا برخی اعضای گروه فرقان^{۴۳}، و خواه با گرایش‌های غیر دیالکتیکی، هم‌چون بازرگان در دهه ۲۰-۴۰ش و پیروانش، که می‌توان آن‌ها را جریان ایدئولوژیک علم‌گرا نام نهاد. مراد از علم، دانش تجربی نوین است که اینان می‌کوشیدند بنمایند با اسلام هیچ ناسازگاری ندارد؛
۲. جریان آزادی‌خواه، همچون بازرگان در دهه ۵۰ش به بعد؛
۳. جریان گراینده به فرهنگ‌شناسی و مطالعات تاریخی؛ همچون آذرتاش آذرنوش^{۴۴}، محمد محمدی ملایری^{۴۵}، محمود

رامیار^{۳۷} و محمدجواد مشکور^{۳۸} اینان را باید ادامه جریانی دانست که در دانشکده الاهیات دانشگاه تهران، در عصر ریاست فروزانفر، نخست با مقالات سیدحسن تقی‌زاده در باره تعامل اسلام و ایران آغاز گردید.^{۳۹} حتی تأثیرات آن فضا را می‌توان تا حدود زیادی در شکل‌گیری چارچوب کلی خدمات متقابل اسلام و ایران مطهری بازشناخت.

د) جریان‌های نوخواه

این اصطلاح را به معنای خاصی به کار برده‌ام که توجه نداشتن به ظرائف آن ممکن است سبب سوء تفاهم شود. پیروان این جریان، عمیقاً به فضای سنت وابسته و پای‌بند بودند و در عمق وجود خویش، سنتی می‌اندیشیدند. باین‌حال، همگی خود را به جهان مدرن مبتلا می‌دیدند و هر یک به نوعی خودآگاه یا ناخودآگاه نگران پیامدهای آن بودند. برخی می‌پنداشتند چندی از مؤلفه‌های اساسی تفکر مدرن که با اسلام نیز ناسازگار نیست، به شکلی جدی‌تر در سنت اسلامی یافت‌شدنی دغدغه توسعه و پیشرفت مردود نمی‌شمردند، اما مبانی سنتی خویش را دیگر از اینان هم، به‌شدت محکوم می‌کردند؛ اما خود مدرن‌پایند بودند؛ یا حداقل، ناخواسته چارچوب فکری و پرسش‌های ذهنی‌شان همه در تقابل با عالم مدرن صورت بسته بود. اینان همگی برخلاف سنت‌گرایان که در پی همگامی با هستی و تطبیق خویش با آنند، برای تغییر جهان و درانداختن طرحی نو می‌کوشیدند و دغدغه پیشرفت دنیوی [progress =] داشتند؛ خواه از آن با عنوان «مبارزه با عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی» یاد کنند، یا هر تعبیری دیگر از این قبیل دغدغه‌ای که در چارچوب ذهنی یک فرد سنتی نامفهوم است.

یک نمونه برجسته در میان نوخواهان، حضرت امام خمینی(ره) است. ایشان اگر دغدغه تشکیل حکومت اسلامی داشتند، نه از آن رو بود که در قالب مکاتب و افکار مدرن غربی می‌اندیشیدند. بنا نداشتند از حقوق بشر به معنای مدرن اصطلاح دفاع کنند، یا از آن رو با شاه مخالف نبودند که قدرت مطلق است و در حکومتش تفکیک قوا به معنای مدرن کلمه صورت نگرفته است. امام (ره) برای برپایی حکومت اسلامی تلاش می‌کرد که حق ائمه (ع) است و از ایشان غصب گردیده؛ برای استقرار نظام «ولایت فقیه» می‌کوشید که در عین ادعان به عناصر نوگرایانه و ابتکارات فقهی ایشان، مفهومی ریشه‌دار در سنت شیعی است؛ و در عین حال، حاصل استقرار این نظام سنتی را بسی با معیارهای اخلاقی متعالی‌تر از دستاوردهای غربی، و متضمن تمامی نکات مثبت آن تمدن می‌دانست. امام



خمینی (ره) عمیقاً سنتی می‌اندیشیدند و باز، برای پیاده کردن فکر خویش از گفتمان مدرن بهره جستند. انقلاب کردن، یک روش مدرن و مشهور در دهه‌های ۳۰-۵۰ش در سراسر دنیا برای تغییر شرایط اجتماعی بود و امام (ره)، از این ابزار نوین به‌غایت بهره گرفتند.

در میان پیروان این جریان، سه دسته متمایز دیده می‌شوند:

۱. جریان فلسفه‌گرا، چون مرتضی مطهری،^{۴۰} محمدتقی جعفری،^{۴۱} محمد تقی مصباح یزدی،^{۴۲} و یعقوب جعفری^{۴۳} که همگی به‌واقع متأثر از علامه طباطبایی^{۴۴} بودند؛

۲. جریان متمایل به روشنفکران مصری، و به‌ویژه اخوان المسلمین، هم‌چون سید محمود طالقانی^{۴۵} و اثر نامدارش پرتوی از قرآن، یا صدرالدین بلاغی^{۴۶}؛

۳. جریان ترویج‌گرا، هم‌چون مکارم شیرازی و همکاران وی در تفسیر نمونه^{۴۸}.

جریان‌های فهم قرآن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

هرگاه بر مبنای دسته‌بندی یاد شده، کلیه آثار، متفکران، و جریان -ها در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی شناسایی و تفکیک شوند، امکان آن فراهم خواهد شد که تأثیر انقلاب اسلامی را در ظهور جریان‌های جدید، یا اقبال بیشتر به یک چند جریان کهن، و دربرابر، کنار نهادن جریان‌هایی دیگر بازجوییم.

هم‌چنان که پیش‌تر نیز گفتیم، این نوشته تنها در صدد است یک فکر خام را به بحث و تبادل نظر گذارد. مسلم است که زمانی بحث به بار خواهد نشست و اسباب رشد و تعالی قرآن‌پژوهی خواهد شد که مطالعات گسترده‌ای برای بازشناسی و دسته‌بندی جریان‌های فهم قرآن در ایران معاصر، و بارزترین چهره‌های آن‌ها و اندیشه‌هایشان صورت پذیرد.

از آن‌جا که تاکنون آماری دقیق از میزان آثار پدید آمده توسط هر جریان در دست نیست، ما در این مقام تنها خواهیم کوشید نمونه‌هایی از پیدایی جریان‌های جدید، یا استمرار جریان‌های کهن را بازشناسیم. هرگونه اظهار نظر ما در این قبیل مسایل مبتنی بر آمار، تنها بر سبیل حدس و گمان است و تنها از آن روی بیان می‌گردد که شمایی کلی از الگوی پیشنهادی برای مطالعه این جریان‌ها را نمایان سازد.

در میان جریان‌های کهن، به نظر می‌رسد که در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک جریان کلامی، گرچه با چهره‌ها و گرایش‌هایی متفاوت از گذشته، بیشترین طرفدار را داشته است. سیدمحمدباقر حجتی^{۴۹} و خیل گسترده شاگردانش، پیشقراولان این طرز فکرند. حجم انبوهی از پایان‌نامه‌های علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، همانند بسیاری دانشگاه‌های دیگر،

در خدمت دفاع از مکتب اهل بیت(ع)، نمایاندن جایگاه ایشان در تفسیر قرآن و علوم قرآنی، نفی دیدگاه‌های مخالفان شیعه، و مباحثی از این دست قرار گرفته است. در مرحله بعد، جریان فقهی با



گرایش اصولی، با شاخص محمدهادی معرفت^{۵۰} و شاگردان او جریانی سرشناس و مقبول است. جریان وعظی - تربیتی به شکل کهن آن، به نظر دیگر چندان پرتحرک نیست. جریان‌های تفسیر جامع‌نگاری^{۵۱} به حضور کمرنگ خویش همانند گذشته ادامه می‌دهد.

در خصوص جریان‌های سنت‌گرا، باید گفت از نیمه دهه ۱۳۶۰ش به بعد، جریان عرفان مدرن معنویت‌گرا با شاخص سید حسین نصر، پیروان بیشتری در میان نسل جدید یافته است. تا آن‌جا که من خبر دارم، هنوز اینان خود آثاری قرآنی به فارسی رقم زده‌اند.^{۵۲} گذشته از اینان، در میان جریان‌های سنت‌گرا، یک شاخه جدید با گرایش به ادبیات فارسی نیز دیده می‌شود؛ با چهره‌هایی هم‌چون علی اصغر حلبی،^{۵۳} و محمدجعفر یاحقی،^{۵۴} و حتی بهاء‌الدین خرمشاهی در برخی از آثارش.^{۵۵} شاخه جدیدی نیز به نظر می‌رسد پس از پیروزی انقلاب، در اطراف جریان سنت‌گرا روییده است؛ جریان شاگردان احمد فریدید. از میان شاگردان وی، هنوز کسی را سراغ ندارم که اثری منقح در باب فهم قرآن به دست داده باشد.

در میان جریان‌های نواندیش، جریان ایدئولوژیک با گرایش دیالکتیکی بسیار کم‌قوت شده است و به نظر، رو به انقراض می‌رود. چهره‌هایی چون حبیب‌الله پیمان هنوز بدین گرایش وفادارند.^{۵۶} گرایش ایدئولوژیک غیردیالکتیکی نیز رو به انقراض رفته است و بارزترین چهره‌اش به نظر عبدالعلی بازرگان^{۵۷} است. به همین ترتیب، در عین آن که جریان متمایل به روشنفکران عرب را باید منقرض دانست، جریان نوینی با همان کارکرد و با همان دغدغه‌ها به شکلی بومی پیدا شده است که می‌توانش جریان وعظی - تربیتی با گرایش به روحانیت سیاسی شیعه برشمرد. چهره شاخص آن، محسن قرائتی^{۵۸} - و گرچه تا حدود زیادی غیر قابل انتظار - غلامعلی حداد عادل^{۵۹} است. نیز، از نیمه‌های دهه ۶۰ به بعد، به نظر می‌رسد پیروان نواندیش «مکتب تفکیک» نیز با شاخص محمدرضا حکیمی^{۶۰} و کتاب الحیاء، به حضور خویش در فضای فکری جامعه ادامه می‌دهند و گاه، طرفداران بیشتری نیز می‌یابند. این جنبش را نیز باید یک جریان کلام‌گرا تلقی کرد. شاخص جریان گرایش به فرهنگ‌شناسی و مطالعات تاریخی نیز در دوران پس از انقلاب، از یک سو، احمد پاکتچی^{۶۱} و شاگردان او، و از دیگر سو، مرتضی کریمی‌نیا،^{۶۲} و حتی چهره‌هایی از نسل قبل، هم‌چون آذرتاش آذرنوش، بهاء‌الدین خرمشاهی، یا فریدون بدره‌ای^{۶۳} است.

چهار گرایش جدید دیگر نیز در این میان ظهور کرده‌اند که پیش از انقلاب، کمتر در ایران طرفدار و جلوه داشته‌اند: اولی، گرایش قرآن‌پژوهان وفادار به فلسفه تحلیلی (و به‌ویژه دیدگاه‌های فلسفی کارل پوپر، فیلسوف انگلیسی)، و دومی وفاداران به فلسفه ترکیبی. از گروه نخست، می‌توان مقصود فراست‌خواه^{۶۴} را مثال آورد، یا در رأس و شاخص‌تر از همه، عبدالکریم سروش.^{۶۵} افزون بر این اشخاص که می‌توان همه را تحت عنوان کلی «لیبرال» کنار هم نشاناند، باید سید-

عباس نبوی^{۶۶} را نیز یاد کرد که در عین دوری از مواضع لیبرالیستی، از وفاداران به فلسفه تحلیلی است. در میان نواندیشان وفادار به فلسفه ترکیبی، شاید بارزترین چهره محمد مجتهد شبستری^{۶۷} باشد. شاید از همین گروه بتوان مصطفی ملکیان^{۶۸} را نیز برشمرد؛ که البته کمتر این گرایش خود را در آثار قرآن محور بروز داده است. جریان سومی که شاید بتوان آن را جریان تفسیر رئالیستی نام نهاد؛ که می‌کوشد حداقل مکان آیات را حمل بر پدیده‌هایی خارق عادت طبیعی و قوانین علی و معلولی هستی نکند و در راستای فهم آیاتی ناظر به امور غیبی و ماورایی، از علم نو بهره جوید، شاخص آن محمدمهدی فولادوند^{۶۹} و ترجمه او از قرآن کریم است. چهارمین، مروجان لزوم توجه به «زبان قرآن» و تفسیر بافتاری متن هستند. از میان چهره‌های شاخص این گرایش - در عین تمایز با همدیگر - محمد علی لسانی فشارکی^{۷۰} و شاگردان وی از یک سو، و علی صفایی حائری (عین - صاد)^{۷۱} با مشربی دیگر نامبردارند.

درباره جریان‌های نوگرا، باید گفت جریان فلسفه‌گرا هم‌چنان در میان شاگردان مصباح یزدی طرفدار دارد؛ هم‌چنان که شخصیت‌هایی چون عباس علی عمید زنجانی^{۷۲} و محمداصالح لاریجانی^{۷۳} و مهدی هادوی تهرانی^{۷۴} را باید از چهره‌های نوظهورتر این جریان تلقی کرد.

نیز یک جریان آکادمیک غیر حرفه‌ای، با پیروانی که تحصیلات آکادمیک در رشته‌ای غیر از علوم اسلامی دارند، پیش از انقلاب در حال شکل‌گیری بود و به مرور در دهه نخست بعد از انقلاب خود را به شکل جدی ظاهر کرد. چهره‌هایی هم‌چون رجب‌علی مظلومی^{۷۵} مهدی گلشنی^{۷۶} و غلام‌عباس توسلی^{۷۷} که همگی در دوران پهلوی بالیده بودند، با پیروزی انقلاب و به‌ویژه پس از انقلاب فرهنگی فرصت یافتند اندیشه‌های خود را در فضای دانشگاهی ایران تحکیم بخشند. گرچه شاید هیچ یک اثری مستقل در تفسیر قرآن نداشته‌اند، دغدغه ایشان در استخراج و کشف اشارات دینی به محتوای علوم نوین، آثارشان را رنگ و بویی قرآنی بخشیده است.

پی‌نوشت‌ها:

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد آزادشهر.

۱. تصریح به این نکته را در جایی از آثار ایشان ندیده‌ام. غفاری صفت از وی نقل می‌کرد. دقت در رفتار خود وی و دیگر شاگردان برجسته شعرانی به‌خوبی نمودار می‌ساخت که دغدغه قرآن‌محوری را مدیون وی‌اند؛ هم‌چنان که غفاری صفت بارها خود بدین تصریح کرد (خاطرات شاگردی نزد غفاری صفت).

۲. می‌توان این ترجمه را طلاپه‌دار ترجمه‌های نوین قرآن به حساب آورد. چاپ نخست آن احتمالاً اندکی پیش از ۱۳۲۰ش عرضه شد. از آن پس این اثر مکرر و احتمالاً در بیش از ۵ میلیون نسخه به چاپ رسیده است.

۳. در باره وی، نک زندگی‌نامه آیه‌الله العظمی شاه‌آبادی و مجاهد شریف شهید شاه‌آبادی (تهران، حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی، ۱۳۶۵ش). گویا از وی دو اثر مرتبط با قرآن بر جای مانده است: الانسان و الفطرة، و القرآن و العترة؛ که بعید می‌دانم هیچ کدام به چاپ رسیده باشد. تا حدود زیادی می‌توان آرای تفسیری وی، و نگرش کلان او به قرآن را در نوشتارهای شاگردش امام خمینی بازشناخت (در این باره، نک: دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، تهران، دوستان/ ناهید، ۱۳۷۷ش، ۲/ ۱۰۰۸-۱۰۰۵).

۴. برای عباراتی از وی که متضمن این معناست، نک در پاسخ بدخواهان، ۹-۷، ۳۱ (تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۳۳ش). وی در آثار متعدد خویش تأکید می‌کند که آن چه به عنوان «پاکدینی» عرضه می‌دارد، کوششی برای احیای دین به زعم خود او، و مبتنی بر همان اصول اساسی اسلام است (نک در پیرامون اسلام، تهران، چ ۲، ۱۳۲۳ش، سراسر فصل پنجم: «اسلام و پاکدینی»).

۵. قرآن‌پژوهی همواره در صدر تلاش‌های اصلاح‌گرانه بازرگان قرار داشت. وی در دهه‌های آغازین تلاش فکری خود (دهه‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۰ش)، برای تطبیق اسلام با علوم طبیعی (و در موارد معدودی، علوم انسانی) جدید می‌کوشید. در دوره دوم فکری (دو دهه ۱۳۵۰-۱۳۶۰)، یک مسلمان آزادی‌خواه، و ایدئولوژی‌اندیش بود که می‌کوشید نشان دهد



اسلام برای اداره زندگی دنیوی برنامه‌های گران‌بهای دارد. در دوره سوم حیات فکری، (۱۳۷۰-۱۳۷۰)، وی جوهر دین را در «توجه دادن بشر به خدا و آخرت» می‌جست (برای تبیینی از روند تحول فکری وی در سه مرحله، نک سرروش، عبدالکریم، «آن که به نام بازرگان بود، نه به صفت»، ضمن مدارا و مدیریت، تهران، صراط، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۹-۱۲۰). گرچه روش تفسیری بازرگان در خلال سالیانی دراز شکل گرفته، و به‌مرور تکامل یافته است، آثار قرآنی این سه دوره، تمایزاتی در میزان توجه به مسایل و نوع رویکردها دارند. از میان آثار دوره اول، می‌توان راه طی شده (تهران، ۱۳۲۴ش)، مسئله وحی (تهران، ۱۳۳۹ش)، یا باد و باران در قرآن (تهران، ۱۳۴۳ش) را مثال زد. از نوشتارهای دوره دوم تلاش فکری او نیز، بعثت و ایدئولوژی (تهران، ۱۳۴۳ش)، و بازاریابی ارزش‌ها (تهران، ۱۳۶۰) نامبردارند. بارزترین اثری که بازتاباننده نگاه او در دوره سوم است، مقاله «خدا و آخرت، تنها برنامه بعثت انبیاء» (۱۳۷۱ش) است. از آثار دیگر او در همین دوره، پادشاهی خدا (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ش) یادکردنی است. مهم‌ترین اثر تفسیری وی، تفسیری متفاوت از عرف رایج مفسران، با عنوان پایه پای وحی است (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) که در آن، آیات را بر حسب ترتیب نزول تفسیر می‌کند (تا کنون تنها ۲ جلد از ۲۳ جلد چاپ شده است). وی روش

خود را در شناسایی ترتیب نزول آیات، به تدریج از حدود ۱۳۴۵ش، تا آخرین سال‌های عمرش تکمیل کرد. این روش را می‌توان در سیر تحول قرآن (تهران، ۱۳۴۵ش)، و جمله‌شناسی قرآن (تهران، ۱۳۵۶ش) بازشناخت.

۶. یدالله سبحانی (۱۲۸۴-۱۳۸۱ش) فعال سیاسی، و استاد کرسی زمین‌شناسی دانشگاه تهران بود. از آثار مهم وی خلقت انسان در قرآن (تهران، ۱۳۴۶ش)، و سپس خلقت انسان در بیان قرآن (چ مجدد: تهران، ۱۳۶۵ش) است. وی در این آثار، تفسیری از آیات مرتبط با خلقت در قرآن کریم به دست داده، که با نظریه تکامل داروین سازگار است. اثر وی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، مباحثات فراوانی برانگیخت (برای نمونه‌ای از نقدها، بنگرید: محمدی عراقی، محمود، سخنی پیرامون خلقت انسان از نظر قرآن، تهران، شفق، ح ۱۳۴۹ش).

۷. رضا پاک‌نژاد (۱۳۰۳-۱۳۶۰ش)، پزشک و فعال سیاسی و از شهدای واقعه انفجار حزب جمهوری اسلامی بود. وی نخست پایان‌نامه دکترای حرفه‌ای خود را به کاوش در قرآن، برای استخراج آیاتی اختصاص با کشفیات نوین است. در مرحله بعد، کامل‌تر، در قالب دانشگاه و آخرین مختلفی در تهران و یزد، هم‌چون انتشارات اسلامی، یا خانواده شهید پاک‌نژاد، یا بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، ۱۳۴۸ش).

۸. برای بازتابی از این جدال‌ها در دوران پیش از انقلاب، نک مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، سرتاسر اثر.

۹. برای نمونه‌ای از اشارات وی بدین معنا، نک: «سیاست ایران شناسی»، نگین، شم ۸۸، شهریور ۱۳۵۱ش، ص ۸۷-۸۸.
۱۰. نک: دنباله بحث، بخش «پ»، ذیل جریان نواندیش با گرایش به فرهنگ‌شناسی و مطالعات تاریخی.

۱۱. پیش از انقلاب، آثار فراوانی درباره جنبش‌های ضد استعماری مردم هند، الجزایر، کوبا و جز آن‌ها، و هم در باره انقلاب‌های بزرگ جهان هم‌چون انقلاب کبیر روسیه و فرانسه نوشته شد. کثرت این آثار به خوبی نشان‌گر دغدغه عمومی روشنفکران در تغییر اوضاع با توسل به انقلاب است. برای نمونه، کاظم موسوی بجنوردی در بیان انگیزه‌های جوانی خویش در مهاجرت از نجف به ایران، قریب به این مضمون می‌گوید: «وقتی دیدم در عراق به دلیل روی کار آمدن عبدالکریم قاسم امکان برپایی انقلاب اسلامی نیست، بهتر دیدم برای قیام علیه استبداد و استعمار به ایران مهاجرت کنم» (هسی به رنگ شفق، تهران، نی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶).

۱۲. بارزترین جلوه نقد مفرط نگرش سنتی به اسلام را می‌توان در آثار متعدد روشنفکران این دوره بازشناخت؛ هم‌چون تشیع علوی

و تشیع صفوی (تهران، ۱۳۵۱ش)، یا پدر، مادر، ما متهمیم (تهران، بی‌نا، بی‌تا)، هر دو از علی شریعتی.

۱۳. یک اثر جالب توجه در این زمینه، پژوهش احمد پاک‌چی با عنوان فهم نوین قرآن در ایران به زبان انگلیسی است. این اثر که به سفارش مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن فراهم شده، تاکنون به چاپ نرسیده است (خاطرات دوره شاگردی و دستیاری نگارنده نزد ایشان در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی). چارچوب کلی مقاله حاضر نیز، ایده‌ای است که نخستین بار خود من برای طراحی چارچوب کلی همان پژوهش به وی پیشنهاد کردم. گرچه وی سرآخر تصمیم گرفت از افقی متفاوت به قضیه بنگرد، من از این طرح بحث بهره‌های فراوانی بردم. جلب توجه من به بسیاری از جریان‌های کم‌شناخته در این مطالعه، مرهون یادآوری اوست.

۱۴. توجه به تمایز مفاهیم «مدرنیته» و «سنت» با «تجددگرایی» و «سنت‌گرایی» را مدیون شاگردی مصطفی ملکیان هستم (نک: سنت‌گرایی، تجددگرایی و پساتجددگرایی، درس گفتارهای مصطفی ملکیان در دانشگاه صنعتی شریف، <http://malekiyan.blogfa.com/post-94-com>، دسترسی من: ۱۳۸۷/۹/۳۰، ذیل مباحث جلسه اول).

۱۵. Traditional.

۱۶. Traditionalist

۱۷. Modern

۱۸. Modernist

۱۹. ابوالقاسم خوبی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق)، گرچه در نجف می‌زیست، بی‌تردید فضای قرآن پژوهی در ایران را سخت متأثر کرد. گذشته از شاگردان وی (هم‌چون محمدهادی معرفت) که در ایران می‌زیستند، اثر مهم وی البیان که قرار بود سرآغاز یک تفسیر منتع باشد و دیدگاه‌های کلی و کلان او را در باب جایگاه قرآن کریم و تفسیرش نزد شیعیان بازنموده است، در میان قرآن‌پژوهان ایرانی با استقبال فراوان روبه‌رو گردید. روش وی در کاربرد مباحث و ادله و متودولوژی اصول فقه در مباحث تفسیری و علوم قرآنی، سرآغاز یک جریان پرتطرفدار در ایران بود.

۲۰. آثار متعدد دستغیب (۱۲۹۲-۱۳۶۰ش) - روحانی و فعال سیاسی اهل و ساکن شیراز - که عمده آن‌ها بازنویسی سخنرانی‌های اوست، سرشار از توجه به قرآن و تفاسیر آن است، از جمله قلب قرآن (قم، ۱۳۶۳ش)، سرای دیگر (قم، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی) و استعاده (قم، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی) و آثار متعدد دیگر.

۲۱. مدرس حوزه علمیه قم، رئیس حوزه علمیه اصفهان، و مدرس مشهور اخلاق برای عموم (متولد ۱۳۱۲ش)، که آثار متعددی در ارتباط با تفسیر قرآن کریم دارد (برای فهرست آثار، نک: دانشنامه، ۲۰۸۰/۲).

۲۲. در بسیاری آثار وابستگان به این انجمن، دیدگاه‌های بهائیان

در باره موضوعات قرآنی به بحث گذاشته می‌شد؛ مثلاً، بحث درباره این اعتقاد بهائیان که تعبیر «خاتم النبیین» در قرآن که وصفی برای پیامبر (ص) است، به چه معناست؛ یا موضوعاتی دیگر از این دست.

۲۳. فیض الاسلام (۱۲۸۴-۱۳۶۴ش)، صاحب اثری در ترجمه و تفسیر مختصر قرآن، با نام قرآن عظیم (به خط طاهر خوشنویس، چ تهران، بی‌نا، بی‌تا) است. وی آثار دیگری نیز با همین روش در ترجمه و شرح نهج البلاغه و



۲۴. در صدر و انگلیسی پاینده ترجمه قرآن کریم را باید با عنوان نهج الفصاحه (چ ۱: چ مکرر: قم: دارالعلم، ۱۳۸۷) پدید آورد که گردآوری و ترجمه کلمات قصار نبوی است. ترجمه‌های وی از آثار متعدد غربی (هم‌چون: سیر تکامل عقل نوین، اثر هرمن رندال (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب)، یا عصر ایمان (ج ۴ تاریخ تمدن و بیل دورانت، تهران، اقبال)) را به زحمت می‌توان با این آثار، در یک جریان طبقه‌بندی کرد.

۲۵. روحانی منبری و خطیب مشهور دهه ۱۳۲۰-۱۳۵۰ش، در رادیو ایران (د ۱۳۵۹ش)، که چندی از منابر پرتعدادش با موضوعات قرآنی بارها به چاپ نیز رسیده است (برای آثار او، نک دانشنامه، ۱۰۹۰-۱۰۹۱).

۲۶. از شعرانی (۱۲۸۱-۱۳۵۲ش) افزون بر تصحیح و تعلیق آثار متعدد تفسیری، اثری نیز با عنوان نثر طوبی بر جای مانده، که تلاشی در جهت توضیح معنای کلمات قرآنی، در عین توجه به حوزه‌های معنایی مرتبط با آن‌ها و جایگاه خاص مفهوم آن کلمات در قرآن کریم است. بدین سان، باید آن را به‌واقع یک دائرةالمعارف نامتکامل برشمرد (چ اول، در پایان تفسیر ابوالفتوح رازی، به تصحیح شعرانی؛ چ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ق).

۲۷. غفاری صفت (۱۳۰۳-۱۳۸۳ش) گرچه بیش از هر چیز، یک ناقد حدیث محسوب می‌شد، عمیقاً به قرآن وابستگی داشت؛ آن سان که در نقد حدیث، نخست شواهدی قرآنی به دست می‌داد (برای نمونه‌ای از تصریح خود وی به این روش، نک: «فقه الحدیث و درایت»، ضمن تلخیص مقباس الهدایة، تهران، صدوق، ۱۳۶۳ش، ص ۲۴۳-بیا). افزون بر احیای آثار متعدد قرآنی هم‌چون تصحیح تفسیر ابوالفتوح رازی، منهج الصادقین فتح الله کاشی و تفسیر عاملی، گرایش وی در نقد حدیث بر مبنای قرآن، در پایان نامه‌های متعدد شاگردان دانشگاهی وی نیز در دوره بعد از انقلاب تجلی یافت (برای وی، نک کیهان فرهنگی، سال ۳، شم ۳، خرداد ۱۳۶۵ش؛ نیز: یادمان استاد علی‌اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳ش). مجتبی منتظری در پایان نامه کارشناسی ارشد خویش (دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ش) با عنوان روش غفاری صفت در نقد حدیث رویکرد وی را به قرآن هم‌کاویده است (به زودی قابل دسترسی از

طریق مرکز اسناد دانشگاه).

۲۸. وی در عین تحصیل در محیطی شیعی، سرآخر گرایش به عقایدی شبیه سلفیان اهل سنت و جماعت پیدا کرد. این گرایش او در آثاری چون توحید عبادت (یکتاپرستی) (تهران، دانش، چ ۳، ۱۳۵۵ش) به خوبی نمودار است. مهم‌ترین اثر وی در باره تفسیر، کلید فهم قرآن است (تهران، دانش، بی‌تا).

۲۹. این اثر توسط انتشارات صدر (تهران، ۱۳۴۱ش) در ۷ مجلد به چاپ رسیده است.

۳۰. عبدالحجّة بلاغی (۱۳۲۲-۱۳۷۵ق / ۱۲۸۳-۱۳۳۴ش)، عالمی نائینی بود، با تحصیلاتی در حوزه‌های نائین و اصفهان. وی در آخر عمر ساکن قم گردید (نک ایازی، محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۴۸-۴۴۹).

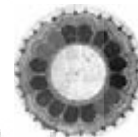
۳۱. فقیه، فیلسوف و عالم اخلاق (متولد ۱۳۰۷ش) ساکن قم، یک اثر مهم وی در این راستا، انسان و قرآن (قم، الزهراء، ۱۳۶۹ش) است. گویا از جمله آثار دیگر وی که به‌ظاهر همسو با این جریانند، یکی «رساله در تفسیر بسمله» و دیگری «قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارد» (هر دو منتشر نشده) باشند (دانشنامه، ۱/ ۹۳۵-۹۳۶). وی آثار قرآنی دیگری نیز دارد که باید کاوش‌هایی از نوع کارهای متقدمان (البته همراه با نوآوری)، در علوم قرآنی محسوب شوند (برای آثار، نک همان جا).

۳۲. برای زندگی علمی، اندیشه‌ها و آثار وی، نک بروجردی، مهرزاد، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فرزاد، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۷-بیا.

۳۳. علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ش)، استاد جامعه‌شناسی و ادبیات، و رهبر معنوی بسیاری از جریان‌های ایدئولوژیکی بود که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش ایفا کردند. آرا و افکار وی را در آثار متعددی کاویده‌اند. وی در آثار متعدد خویش بنا دارد با بازشناسی تاریخ صدر اسلام و بازتفسیر آن، به یک ایدئولوژی انقلابی متناسب با جنبش در مسیر پیشرفت دست یابد. همانند بسیاری دیگر از روشنفکران دینی آن عصر و در صف سرآمدان آن‌ها، آثار وی لبالب از ارجاع به قرآن کریم و تفاسیر اسلامی است. دو اثر وی مستقیماً به فهم قرآن مربوط می‌شوند: روش بررسی قرآن در دوران تدوین ایدئولوژی (به‌ضمیمه قرآن و کامپیوتر، تهران، قلم، بی‌تا)، و زمینه شناخت قرآن (تهران، بعثت، بی‌تا). گذشته از این، محققانی نیز کوشیده‌اند اندیشه و آرای وی را در فهم قرآن، به نحوی منقح دسته‌بندی و ارایه کنند (نک رضائی، امیر، کاربرد آیات قرآن در اندیشه دکتر علی شریعتی، تهران، الهام، ۱۳۶۴ش؛ آذربایجانی، خسرو / گوارایی، فاطمه، شریعتی و قرآن، تهران، یادآوران، ۱۳۷۹ش؛ شریعتی مزینانی، عبدالکریم، برداشت‌های علی شریعتی از آیات قرآن مجید، تهران، جلیل / سایه، ۱۳۷۹-۱۳۸۲ش).

۳۴. بنیان‌گذار این گروه، اکبر گودرزی (۱۳۳۸-۱۳۵۹ش)،

با نام مستعار عباس، تحصیلاتی سنتی و در سطح مقدماتی را در حوزه‌های قم تجربه کرد (پرونده گروه فرقان، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۷۶۰۱). با حضور در تهران، امکان طلبگی و ادامه تحصیلات حوزوی را پیدا نکرد. بدین سان، به مطالعات آزاد قرآنی روی آورد. درس تفسیر قرآن او از سال ۵۰ شروع شد و از پاییز ۵۵ با عده‌ای از دوستانش بطور جدی‌تر و منسجم‌تر به بررسی و تدوین دو کتاب «ایدئولوژی توحید و ابعاد گوناگون آن» و «اصول تفکر قرآنی» پرداخت (همان، کد ۱۷۶۰۱). در سال ۱۳۵۶ش و مقارن با درگذشت شریعتی، تأسیس گروه را با بیانیه‌ای اعلام کرد که در آن به ناقدان پیشین شریعتی تاخته بود. با تأسیس این گروه، وی آثار متعددی را منتشر ساخت؛ هم‌چون ترجمه کامل قرآن، اصول تفکر قرآنی، تفسیر سوره‌های کوچک آخر قرآن با عنوان پیام قرآن، تفسیر سوره توبه، و جزوات متعددی در تفسیر سوره‌های کهف، مریم، طه، احزاب، سبأ، عنکبوت، روم، فاطر، یس، صافات، حشر، و بینه، به همراه تفسیر بخش‌هایی از نهج البلاغه، و شرحی بر صحیفه سجادیه، و هم، شرحی بر دعای عرفه (نکد ریما، «مروری بر کارنامه گروه فرقان (احمد گودرزی)»، ضمن وبلاگ روزگار من، <http://rima.blogfa.com/post-17.aspx>، نوشته شده در ۲۱/۲/۱۳۸۵ش، دسترسی من: ۱/۱۰/۱۳۸۷ش). تفاسیر وی از آیات قرآنی، گرایشی عمیق به تأویل مارکسیستی آیات داشت؛ مثلاً «در داستان یوسف، گرگ به معنای ضد انقلاب گرفته شده که حضرت یعقوب، یوسف را برای به دام انداختن ضد انقلاب به سوی آن‌ها فرستاده است...» («گروهک فرقان: شکل‌گیری و عملکرد و عقاید»، ضمن <http://www.goftarnama.com/forum/قطعه.php?t=9669>، به نقل از علامت # ۵، به نقل از در گزارش ملاقاتش با اعضای گروه).



۳۵. آذرتاش آذرنوش (متولد ۱۳۱۶ش)، اولین دکتر در زبان و ادبیات عرب، و تحصیل کرده در دانشگاه سوربن فرانسه است. وی با شور خدمت به زبان و ادبیات فارسی، راه را در تحصیل و تحقیق در ادبیات عرب دید. بدین سان، آثار وی همگی کوشش‌هایی هستند برای بازنمودن جایگاه ایرانیان در فهم و تفسیر قرآن، و به طور کلی، تمدن اسلامی. از آن جمله‌اند: راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ش)، و تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، از آغاز تا عصر صفوی (ج ۱: ترجمه‌های قرآن) (تهران، سروش، ۱۳۷۵ش). افزون بر این‌ها، وی مقالات متعددی در باره موضوعات و اعلام قرآنی هم‌چون الله، آیه، ترجمه‌های قرآن و... در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۷) نوشته است.

۳۶. محمد محمدی ملایری (۱۲۹۰-۱۳۸۱ش) استاد و معاون

دانشکده الاهیات دانشگاه تهران بود. وی در آثار مختلف خویش کوشید نشان دهد چه اندازه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بر تمدن اسلامی در دوران تأسیس اثر نهاده است. از جمله آثار وی، این-ها نامبردارند: فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و غرب (شامل تاریخ فرهنگی ایران در دوره فترت) (تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۳۳ش)، و تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (چ ۱: ح دهه ۱۳۵۰ش؛ بازنشر تهران، طوس، ح ۱۳۷۹ش) در ۵ جلد. وی گرچه مستقلاً اثری در باب علوم قرآن به دست نداد، از بنیان‌گذاران جریان بود که خود را در قالب آثار امثال آذرنوش باز نمود. به همین ترتیب، توجه وی به تأثیر ایرانیان در فرهنگ اسلامی، بعدها در خدمات متقابل اسلام و ایران مطهری تبلور یافت.

۳۷. محمود رامیار (۱۳۰۱-۱۳۶۳ش)، با مدرک دکترای حقوق و فلسفه، استاد و رئیس دانشگاه مشهد بود. عمده آثار او تحقیقاتی درباره تاریخ و علوم قرآن است؛ هم‌چون ترجمه اثری از رژی بلاشر، مستشرق فرانسوی که با نام در آستانه قرآن به چاپ رسیده (چ ۱ در قالب کتاب: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش)؛ یا فهارس-القرآن، که فهرست کلمات و فهرست موضوعی آیات قرآن کریم است (تهران، صابرین، ۱۳۷۹ش). حتی گفته‌اند وی تفسیری نیز بر قرآن می‌نوشت که با مرگش نیمه ماند و پنجمین سوره قرآن فراتر نرفت (نکد بینات، سال ۲، شم ۲، تابستان ۱۳۷۴ش، ص ۳۲-۳۷). در این میان، مهم‌ترین اثر وی تاریخ قرآن است که در عین کم‌بهرگی از حیث نظریه‌پردازی در مباحث، به‌سبب جامعیت مباحث و طبقه‌بندی کارآمد، می‌توان از بهترین آثار در باره تاریخ قرآن دانست (چ ۱: تهران، اندیشه، ۱۳۴۶ش؛ چ ۲ با تجدید نظر: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ش). گفته‌اند وی در بازنگری‌های بعدی این اثر، سخت متأثر از آرای انتقادی محمد فرزانه (۱۳۱۲-۱۳۴۹ش)، عالم خراسانی دانشکده الاهیات دانشگاه تهران بود (خرم‌شاهی، قرآن شناخت، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴ش، ص ۳۱۸)؛ چهره‌ای که گرچه آثار مکتوب چندانی بر جا نهاد، گویا در شکل‌گیری و تحکیم پایه‌های این جریان اثرگذار بوده است (قس: آذرنوش، آذرتاش، «زندگینامه خودنوشت»، ضمن دانش‌نامه، ۱/۲۴، ستون ۲، سطر ۲۲).

۳۸. محمدجواد مشکور (۱۲۹۷-۱۳۷۴ش)، عضو فرهنگستان دمشق، استاد زبان و ادبیات عربی و فارسی، و محقق در تاریخ ایران باستان، فرق اسلامی و تاریخ ادیان است. از وی اثری در باره قرآن نیز بر جای مانده است؛ با عنوان روح القرآن، در توحید و مکالم اخلاق انسان (تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ش؛ بازنشر تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰ش). این اثر را باید یک نوشتار سنتی از نوع ترویجی در باره اخلاق اسلامی تلقی کرد. باین حال، آثار جدی‌تر در زمینه تاریخ ایران باستان، فرقه‌شناسی و از این دست، وی هرچند مستقیماً به قرآن پژوهی مربوط نمی‌شوند، مطالعاتی بنیادین را برای محققان نسل بعد حاصل کرده‌اند؛ هم‌چون فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های

سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ش؛ یا تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم (تهران، اشراقی، بی تا)؛ یا فرهنگ هزوارش های پهلوی (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ش).

۳۹. نک آذرنوش، همان، ۲۴/۱، ستون ۲، سطر ۳۵، که سخنرانی - های کهن تقی زاده (۱۲۵۷-۱۳۴۸ش) را در دانشکده الاهیات، قدیم ترین نمونه این جریان شمرده است. به نظر، این سخنرانی ها همان است که بعدها به صورت کتاب تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل از آن (تهران، دانشگاه تهران، بی تا) به چاپ رسید.

۴۰. در میان آثار فراوان مطهری (۱۳۰۰-۱۳۵۸ش)، فیلسوف، فقیه، استاد دانشگاه، و فعال سیاسی معاصر، کمتر اثری را می توان یافت که سخت به قرآن و فهم آن پیوند نخورده باشد. در این میان، از آثاری که مستقیماً به قرآن پیوند می خورد، سخنرانی های وی در دانشگاه صنعتی شریف با عنوان «شناخت قرآن» در ۱۳۵۲ش است که پس از شهادت وی چاپ شد (تهران، صدرا، بی تا). این مجموعه بعدها با بازنویسی سخنرانی های متعدد او در تفسیر سوره های مختلف، تحت عنوان آشنایی با قرآن در مجلدات متعددی به چاپ رسید.

۴۱. محمدتقی جعفری (۱۳۰۴-۱۳۷۷ش)، از برجسته ترین شاگردان علامه طباطبایی، و از فیلسوفان اسلامی نامدار معاصر بود (برای زندگینامه خود گفته وی، نک کیهان فرهنگی، سال اول، شمه ۷، مهرماه ۱۳۶۳ش، ص ۱۴۳). از جمله آثار قرآنی ایشان در میان انبوهی از نوشتارها، می توان به حرکت و تحول از دیدگاه قرآن (تهران، قلم، ۱۳۵۷ش)، و انسان در افق قرآن (اصفهان، بی نا، بی تا)، اشاره کرد.

۴۲. مصباح یزدی (متولد ۱۳۱۳ش)، فیلسوف حوزوی معاصر، و بنیانگذار مؤسسه فرهنگی در راه حق در دوران پیش از انقلاب اسلامی (اکنون با نام: مؤسسه فرهنگی حضرت امام خمینی (ره))، و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم، و سرمنشأ یک جریان فرهنگی بزرگ در حوزه علمیه قم برای تحکیم آشنایی حوزویان با علوم انسانی نوین است. در میان آثار وی، افزون بر ترجمه مجلداتی از تفسیر «المیزان» - که هر دو پیش از انقلاب صورت گرفته اند، باید از آثاری چون دوره ۵ جلدی معارف قرآن (قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۵ش بی)، و اخلاق در قرآن (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲ش) یاد کرد که در هر دو گرایش فلسفی مشهود است.

۴۳. یعقوب جعفری (متولد ۱۳۲۵ش)، از حوزویان قم، و شاگردان فلسفه مطهری و حسن زاده آملی. مشهورترین اثر وی، بینش تاریخی قرآن (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش)، نقدی بر فلسفه تاریخ مارکسیستی است (برای سایر آثار، نک دانشنامه، ۱/ ۸۴۴).

۴۴. طباطبایی خود منادی این اندیشه بود که باید برای فهم صحیح قرآن، همه معلومات فلسفی و به طور کلی همه معارف بشری اکتسابی خود را کنار نهاد و آن گاه با قرآن مواجه شد (نک المیزان،

قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق، سرتاسر «مقدمه»). به هر روی، هم در اثر برجسته خود او المیزان، و هم در آثار متعدد شاگردانش رد پای مباحث فلسفی و حداقل پرسش به مسابلی که در تنها چارچوب فضای ذهنی یک فیلسوف جای طرح دارند، فراوان است.

۴۵. محمود طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ش)، عالم سرشناس تهران، از پیش گامان نهضت اسلامی ایران بود. گرایش وی به افکار اخوان المسلمین، در آثار مختلف او دیدنی است. با این حال، گفته می شود وی زمانی که جمال عبدالناصر سیدقطب را اعدام کرد، نظر به اولویت حمایت از جمال عبدالناصر در برابر امپریالیسم، با برگزاری مراسم ترحیم عمومی برای سید قطب، مخالفت ورزید (میثمی، لطف

الله، «مصاحبه در باره نوگرایی دینی حسن یوسفی اشکوری، تهران، قصیده، ۱۳۷۷، ص ۲۵۱).



۴۶. صدرالدین بلاغی (۱۲۹۰-۱۳۷۴ش)،

تحصیلات سنتی خود را با گرایش به علوم ادبی در حوزه های علمیه ناین، اصفهان، شیراز و مشهد پی گرفت و در ۱۳۲۰ش ساکن تهران شد و به استخدام اداره فرهنگ درآمد (نک دانشنامه، ۲/ ۳۸۷). وی در برهان قرآن که خلاصه ای از اثر سیدقطب الانسان بین المادیة و الاسلام است (تهران، ۱۳۴۴ش)، می کوشد اولاً نیاز بشر به دین را در دوره مدرن تبیین کند و ثانیاً، از ایدئولوژی اسلامی، بویژه در برابر تفکرات مارکسیستی دفاع کند و آن را در عدالت طلبی کامل تر بشناساند.

۴۸. که در ۲۷ مجلد به زبان فارسی نوشته شده، به مرور جایگاه رایج ترین تفسیر قرآن را برای ایرانیان یافته است. بنیانگذار این حرکت، ناصر مکارم شیرازی (متولد ۱۳۰۷ش)، از عالمان حوزه علمیه قم است (برای نام همکاران وی در این اثر، نک دانشنامه، ۱/ ۷۷۴). وی در کنار آثار تخصصی فقهی، مکتوبات ترویجی فراوانی را نیز چه پیش و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوشته است. گرچه موضوعات آن ها از «مشکلات جنسی و اخلاقی جوانان»، تا «شیوه نماز خواندن در کره ماه» و «شیوه غلبه بر ناامیدی» تنوع دارد، می توان وجه جامع همه را کوشش برای اثبات جامعیت اسلام و پاسخ گویی آن به نیازهای بشر در همه دوران ها دانست. بدین سان، آثار ترویجی وی به واقع ادامه یک جریان کلام گرا هستند. در دوره پیش از انقلاب، آثار متعددی از وی با این مضمون توسط انتشارات نسل جوان قم به چاپ می رسید. گویا بیشتر این آثار، حاصل تلاش وی و هم فکرانش در مجمع دین و دانش، واقع در مسجد امام حسین (ع) تهران بوده است (نک: مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و پنجاه درس زندگی، قم، نسل جوان، ۱۳۵۶ش، ص دو).

۴۹. حجتی (متولد ۱۳۱۵ش)، برخوردار از تحصیلات حوزوی و دکتری فلسفه از دانشگاه تهران، بنیان گذار رشته علوم قرآن و حدیث در ایران است. جایگاه وی در این رشته به ویژه از آن حیث شایان اهمیت است که سالیان درازی در دانشگاه های مهم ایران

مسئولیت‌های اجرایی داشته، و برنامه تحصیلی رشته علوم قرآن و حدیث در عموم دانشگاه‌های ایران، متأثر از دیدگاه‌های اوست. گذشته از این، آرا و اندیشه‌های وی در آثار متعدد خود، و پایان‌نامه‌های شاگردانش تجلی یافته است. نیز برخی آثار او هم‌چون پژوهشی در تاریخ قرآن کریم (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم با تجدید نظر، ۱۳۶۰ش)، یا اسباب النزول (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش) کتاب درسی رشته علوم قرآن و حدیث بوده است. وی به‌وضوح انگیزه خود را از پا نهادن به وادی مطالعات قرآنی، خدمت به مکتب اهل بیت (ع) و باز نمودن جایگاه ایشان در آیات قرآن کریم بیان می‌دارد (مکالمات شفاهی و خاطرات شاگردی نگارنده نزد ایشان).

۵۰. فقیه و
(۱۳۰۹-۱۳۸۶ش)،
عرصه، دوره ۶ جلدی
عنوان التمهید فی علوم
مدرسین، ۱۴۱۲ (بی) است.



۵۱. از جمله تفاسیر
پس از انقلاب، می‌توان به انوار درخشان، اثر سیدمحمد حسینی همدانی (تهران، لطفی، ۱۳۸۰ش)، تفسیر آسان محمد جواد نجفی (تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲-۱۳۶۴ش)، و تفسیر عاملی، تألیف ابراهیم عاملی (تهران / مشهد، صدوق / باستان، ۱۳۶۳ش) اشاره کرد.

۵۲. چهره‌هایی با گرایش سنت‌گرا در ایران فعالیت می‌کنند؛ اما هنوز تمایل نشان نداده‌اند که اندیشه‌های قرآنی خود را منتشر سازند. از آن جمله یکی محمود بنای مطلق (متولد ۱۳۱۷ش)، استاد فلسفه و ریاضیات، و مدرس منطق ریاضی در دانشگاه صنعتی اصفهان است که شاگردان جلسات تفسیر قرآن وی، دانشجویان رشته‌های فنی - مهندسی هستند (مصاحبه با برخی شاگردان درس تفسیر ایشان). گرایش‌های وی البته در آثاری چون نظم و راز (تهران، آگاهان / ایده / شهر کتاب / هرمس، ۱۳۸۵ش)، که توسط شاگردان وی فراهم آمده، یا مصاحبه با روزنامه آزاد درباره اندیشه‌های سنت‌گرای فریتیهوف شوئون (۶ خرداد ۱۳۸۱ش)، تحت عنوان «شوئون و وحدت درونی ادیان» هم جلوه‌گر شده است. به عنوان یک نمونه از این رویکرد به قرآن، مقاله شهرام خداوردیان در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳/ ۱۹۵-۱۹۸)، با عنوان «زیبایی‌شناسی و رمز پردازی بهشت» شایان ذکر است.

۵۳. حلبی (متولد ۱۳۲۳ش)، اهل اردبیل، دارای دکتری در فلسفه و فرهنگ اسلامی، و استاد ادبیات فارسی است. در میان تعداد فراوان ترجمه‌های وی از عربی و انگلیسی با موضوعات فلسفی، تاریخی، و ادبی، و تصحیح آثار ادبی کهن فارسی، چند مقاله و نوشته نیز در باب علوم قرآن و تفسیر دارد؛ هم‌چون آشنایی با علوم قرآنی (تهران، اساطیر، ۱۳۷۲ش)، یا تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی (تهران، اساطیر، ۱۳۷۲؟).

۵۴. یاحقی (متولد ۱۳۲۶ش)، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد است، با تبعات ادبی متعدد، در باره فردوسی، اساطیر ایران باستان، تصحیح متون کهن و جز آن‌ها. از جمله زمینه‌های مورد علاقه وی، ترجمه‌های قرآن به فارسی است؛ آن سان که تاکنون نسخه‌های خطی متعددی از ترجمه‌های کهن فارسی را تصحیح کرده است. از آثار مهمی که تحت نظارت وی به انجام رسیده، تصحیح روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ابوالفتح رازی (به همراه احمد علی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش)، و فرهنگ‌نامه قرآنی: فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن براساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲-۱۳۷۷ش) است.

۵۵. بهاء‌الدین خرمشاهی (متولد ۱۳۲۴ش)، حافظ پژوه و مترجم برجسته معاصر، در خلال مطالعات خویش همواره به قرآن و تفاسیر آن هم نظر داشته، و افزون بر ترجمه مشهورش از قرآن که مهم‌ترین فعالیت قرآنی اوست (تهران، نیلوفر / جامی / ناهید، ۱۳۷۴ش)، آثار متعددی در باره تفاسیر مختلف و علوم قرآن هم نوشته است (برای زندگی‌نامه خود نوشت و آثار وی، نک دانشنامه، ۱/ ۹۸۲-۹۸۶). آثار وی را از حیث روش، نظر به کوشش وی در مطالعه نوگرا و مبتنی بر شواهد عینی، باید بیشتر باید به جریان نواندیش علاقه‌مند به فرهنگ‌شناسی و مطالعات تاریخی منتسب کرد. باین حال، نمی‌توان تأثیر وی را در جریان قرآن‌پژوهی با گرایش به ادبیات فارسی نادیده انگاشت. از میان آثار متعدد وی در این زمینه، می‌توان «قرآن و اسلوب هنری حافظ» (ضمن ذهن و زبان حافظ اثر خود وی، ج ۵: تهران، معین، ۱۳۷۴ش، ص ۴۱) را مثال آورد.

۵۶. حبیب‌الله پیمان (متولد ۱۳۱۴ش)، دندان‌پزشک، فارغ‌التحصیل جامعه‌شناسی، و فعال سیاسی بنیانگذار جاما (جنبش آزادی‌بخش مردم ایران)، از شاگردان درس تفسیر محمود طالقانی بوده است و آثاری در ارتباط با قرآن و تفسیر نیز دارد؛ هم‌چون فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶ش)، حیات و مرگ تمدن‌ها: از دیدگاه قرآن (تهران، قلم، ۱۳۵۶ش)، و ازده‌های قرآنی (تهران، مکتب، ۱۳۵۸ش)، و نهضت نوح، یا طولانی‌ترین مبارزه تاریخ (تهران، مکتب، ۱۳۶۱ش).

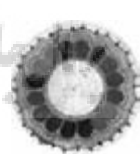
۵۷. عبدالعلی بازرگان (متولد ۱۳۱۷ش)، کارشناس ارشد معماری، و شاغل در بخش خصوصی است؛ با مطالعات قرآنی گسترده‌ای حاصل علاقه شخصی، و خارج از نظام‌های آکادمیک. گرایش‌های فکری او بسی مشابه پدرش مهدی بازرگان در دوره دوم حیات فکری است. از جمله آثار وی‌اند: مقدمه‌ای در زمینه آزادی در قرآن (تهران، قلم، ۱۳۶۳ش)، کاوشی مقدماتی در زمینه متدولوژی تدبیر در قرآن: راهنمای تحقیق و تمرین برای قرآن‌شناسان جوان (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴)، نظم قرآن (تهران، قلم، ۱۳۷۵ش بی)، تحقیقی

در زمینه کلماتی از قرآن (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶ش)، و حروف مقطعه قرآن (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش).

۵۸. محسن قرائتی، یک چهره شناخته با تحصیلات متوسط حوزوی است که افزون بر آثار تفسیری متعدد برای کودکان، نوجوانان، و عموم، به سبب نوآوری‌های فراوانش هم‌چون یک مبلغ، و هم، سخنرانی‌های فراوان در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مشهور است (برای زندگی و فعالیت‌های قرآنی وی، نک: بینات، ش ۹، سال سوم، بهار ۱۳۷۵ش، ص ۱۰۸-۱۲۱). از اهم آثار تفسیری وی، تفسیر نمونه (مؤلف همکار)، تفسیر نور (قم، راه حق، ۱۳۷۴ش بی)، و جزوات تفسیری مختصری فراوان برای سوره‌های مختلف قرآن کریم، هم‌چون تفسیر سوره حجرات: سوره آداب (تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰ش) نام‌بردارند.

۵۹. غلام‌علی حداد عادل (متولد ۱۳۲۴)، استاد فلسفه، و فعال سیاسی، گرچه چندان دستی در نگارش آثار تخصصی قرآنی نداشته، به‌ویژه از آن رو که تدوین‌گر کتب درسی قرآن برای دوره دبیرستان (تدریس شده از ۱۳۶۸-ح ۱۳۸۳ش) بوده، در ترویج معارف قرآنی برای نسل جوان، منشأ اثر بوده است. مجموعه این درس‌ها با نام درس‌هایی از قرآن در سال ۱۳۸۴ش توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی، در تهران به چاپ رسیده است.

۶۰. محمدرضا حکیمی (متولد ۱۳۱۴ش)، از دوستان و هم‌نسلان علی شریعتی، و هم‌چون او تربیت یافته در حلقه روشنفکری دینی مشهد است. شریعتی در نامه‌ای که آخرین ماههای عمر خود نوشت، مسئولیت بازنگری در آثار خود را به او سپرد؛ امری که هرگز محقق نگردید. گرچه او - در وسیع اطلاع من - هرگز به صراحت خود را وابسته به خط فکری مکتب تفکیک‌نشانسانده است، به نظر به مجموع آثار وی، چنین استنباطی بعید به نظر نمی‌رسد. در عین حال، وی به مفهوم «تجدید» و حضور مجددان در هر سده، برای احیای دین، آن سان که در روایتی آمده است، عمیقاً اعتقاد می‌ورزد (برای نمونه، نک: حکیمی، محمدرضا، شیخ آقابزرگ تهرانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۸-۶۰) و خود



نیز می‌کوشد مروج یک تفکر ایدئولوژیک اسلامی، بر پایه بازخوانی قرآن و روایات باشد. مهم‌ترین اثر وی در این راستا، کتاب الحیاء (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ش) است که در آن

در ذیلی عناوینی متناسب با شئون مختلف زندگی اجتماعی انسان مدرن، آیات و روایات را گردآورد. وی دیدگاه‌های خود را در باب فهم قرآن، در پیام جاودانه سخنی چند پیرامون «قرآن کریم» و آفاق آن (تهران، دلیل ما، ۱۳۸۲ش) بیان داشته است.

۶۱. احمد پاکتچی (متولد ۱۳۴۲ش)، زبان‌شناس، دین‌شناس، و مورخ تاریخ فقه، تاریخ قرائات قرآن کریم، تاریخ حدیث، تاریخ فرق اسلامی، و تاریخ فلسفه ایران باستان است. از وی افزون بر ۶۰ مقاله به زبان‌های فارسی، عربی، روسی، انگلیسی و جز آن‌ها

به چاپ رسیده است. وی مدیر بخش فقه، علوم قرآن و حدیث مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و عضو گروه نشانه‌شناسی فرهنگستان هنر است. بهترین مأخذ برای مشاهده روش وی، مقالات پرشمار او در ارتباط با قرآن، علوم قرآنی، و تفسیر در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است.

۶۲. مرتضی کریمی‌نیا (متولد ۱۳۵۰)، هم‌اکنون دانشجوی دکترای اسلام‌شناسی در دانشگاه برلین است. وی اثر قابل توجهی در آشنایی محافل قرآن‌پژوهی ایران با مباحث و آثار مستشرقان بر جای نهاده است. در وسیع آگاهی من، وجه جمع مقالات متعدد وی، دغدغه بحث درباره ترجمه‌های قرآن، نقد و تحلیل آثار مستشرقان، تاریخ قرآن، و تاریخ تفسیر است. از اهم آثار وی، افزون بر مقالات متعدد، می‌توان آرا و اندیشه‌های دکتر نصر ابوحامد ابوزید (تهران، مرکز مدیریت مطالعات اسلامی، ۱۳۷۶ش)، گزیده مقالات و متون درباره مطالعات قرآنی در غرب (تهران، الهدی، ۱۳۸۰ش)، کتاب-شناسی مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی ۱۷۰۰-۱۹۹۵ (تهران، الهدی، ۱۳۸۰ش)، و سیر پژوهی در غرب (تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷ش) را یاد کرد.

۶۳. فریدون بدره‌ای (متولد ۱۳۱۵ش)، زبان‌شناس، داستان‌نویس، و مترجم، برای قرآن‌پژوهان با دو ترجمه، مشهورتر است: مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، اثر توشیهیکو ایزوتسو (تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۸ش)، و واژه‌های دخیل در قرآن مجید، اثر آرتور جفری (تهران، توس، ۱۳۸۵ش). یک تألیف خود وی نیز به حوزه قرآن - پژوهی ربط می‌یابد: کورش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق (تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ش)؛ هم‌چنان که ترجمه او از اثر سها تاجی فاروقی، با عنوان روشنفکران متجدد مسلمان و قرآن (تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۵ش).

۶۴. مقصود فراس‌خواه (متولد ۱۳۳۵ش)، دانش‌آموخته الکترونیک، فلسفه و در کنار آن‌ها، علوم قرآن و حدیث است. از وی دو اثر مهم در ارتباط با قرآن منتشر گردیده است: زبان قرآن (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش)، و دین و جامعه (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ش). در اثر اول، کوشیده است ویژگی‌های زبان دین را به طور کلی، هم‌چون یک زبان خاص که فیلسوفان و متکلمان معاصر در باره‌اش سخن گفته‌اند، بازشناساند و آن‌گاه، ویژگی‌های زیبایی‌شناختی زبان قرآن را چونان زبان یک دین خاص، مطالعه کند. اثر دوم که مجموعه‌ای از مقالات اوست، یک بخش از چهار بخش کلان خود (ص ۳۲۵-۵۰۱) را به کلام جدید دینی اختصاص داده است؛ با مقالاتی چون «بازاندیشی درباره وحی»، «بازاندیشی در باره عصمت»، و جز آن‌ها؛ که به‌واقع، بیان‌گر مبانی او در درک و برداشت از قرآن هستند.

۶۵. عبدالکریم سروش (متولد ۱۳۲۴ش)، فیلسوف و ادیب معاصر، اثری مستقل درباره قرآن نوشته است؛ با این حال، آثار مختلف وی

malekian2/ruykardefministi.php

دسترسی در ۱/۱۰/۱۳۸۷ش) اشاره کرد.

۶۹ محمد مهدی فولادوند (۱۲۹۹-۱۳۸۸ش)، از مترجمان زبردست معاصر است که افزون بر آشنایی و تسلط بر ادبیات فارسی و عربی، تا بدان حد با ادبیات و زبان فرانسه مانوس بود که به عضویت انجمن شعرای این کشور درآمد (گفته‌های خود وی در ملاقات با نگارنده). وی ترجمه‌های متعددی از آثار عربی و فرانسه به دست داده است. اندیشه‌های وی در تفسیر قرآن، بس متأثر از سرسید احمدخان هندی بود (برای وی، نک: خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان، ۱۳۶۴ش، ص ۵۵۵)؛ که این رویکرد او در ترجمه قرآنش (تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش) بازتاب یافت (برای یک نمونه، نک: ترجمه وی از قمر/ ۵۴/ ۱). آثار وی نشان‌گر شخصیتی ادب دوست و علاقه‌مند به جنبه‌های زیبایی‌شناختی قرآنند. از آثار دیگر وی، ترجمه‌ای است از التصوير الفنی للقرآن، اثر سید قطب، با نام آفرینش هنری در قرآن (تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۵۹ش). به اعتبار این قبیل آثار، می‌توان وی را از پیش‌گامان توجه به مباحث مدرن زیبایی‌شناختی قرآن در ایران هم قلمداد کرد؛ همچنان که در آثار نامرتب با قرآنش نیز همین رویکرد متجلی است.

۷۰ محمدعلی لسانی فشارکی (متولد ۱۳۳۲ش)، استاد علوم قرآن و حدیث و دارای تحصیلات آکادمیک در همین رشته است. وی از یک سو سخت متأثر از محمد عزت دروزه و علامه طباطبایی و مشربشان در تفسیر قرآن با خود قرآن است. این تأثر خود را در ترجمه بخش‌هایی از القرآن المجید محمد عزت دروزه (با نام: وحی و قرآن، تهران، مرکز نشر انقلاب، ۱۴۰۱ق)، و مقالات متعددی در باره طباطبایی - مانند نظارت وی بر گردآوری و ترجمه تاریخ قرآن (مباحثی برگرفته از میزان در باره تاریخ قرآن)، ترجمه سهیلا دین‌پرور (تهران، شرکت نشر فرهنگ قرآن، ۱۳۶۱ش)، یا آرای اختصاصی علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، پایان نامه کارشناسی ارشد حسین پهلوانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، به راهنمایی وی، ۱۳۷۷ش - نشان داده است. از دیگر سو، به روش‌های کهن و نوین ساختارگرا در تفسیر متن (= structural approaches to literary criticism)، مهر می‌ورزد. مطالعات مختلف تفسیری وی، همگی کوشش‌هایی هستند برای درک ساختار کلی سوره‌های قرآن، یا جایگاه موضوعات مورد بحث در قرآن، و بازسازی یک فهم بر پایه ساختار کلی قرآن. در بیانی سنتی، وی عمیقاً به تناسب آیات و سوره قرآن معتقد است و می‌کوشد راه‌های کهن و نو را در خدمت بازشناسی پلان و طرح کلی قرآن به کار گیرد. افزون بر متودولوژی وی که در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم (تألیف مشترک به همراهی شاگردش حسین مرادی، چاپ زنجان، قلم مهر، ۱۳۸۵ش)، به تفصیل بیان شده، مقالات متعدد او و شاگردانش در دائرةالمعارف

از نقد و تحلیل دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان خالی نیستند (برای نمونه، نک: قبض و بسط تنوریک شریعت، تهران، صراط، چ ۳، ۱۳۷۳ش، ص ۲۲۰-۲۲۶ که از پیش‌فرضهای مفسران در فهم قرآن بحث کرده است). باین‌حال، وی در عین آن که آیات متعدد قرآن کریم، دیدگاه‌های کلامی‌اش را درباره وحی و موضوعاتی از این دست به چالش می‌کشند، تاکنون کوششی جزئی‌نگر برای ارایه یک تفسیر متناسب با مبانی خویش از آن آیات نکرده است. مبانی او در برداشت از قرآن، در مقاله‌ای مختصر ارایه شده است: «تفسیر متین متن» (ضمن بسط تجربه نبوی، تهران، صراط، ۱۳۷۸ش، ص ۳۰۱.بب).

۶۶ عباس نبوی (متولد ۱۳۳۹ش) استاد فلسفه، اصول فقه، و مستول سابق مجله دانشگاه در ضمن مباحث اصولی دیدگاه‌های هرمنوتیکی و نقد روش‌های کهن تفسیری از جانب دیگر، روش ابتکاری خود را نیز توضیح می‌داد که شیوه‌ای جمع میان روش‌های عینیت‌گرایی کهن و نو در نقد متن است؛ روشی که هم قرآن را با خود قرآن (همانند علامه طباطبایی) تفسیر می‌کند، هم با نظر به روابط معنایی (همانند ایزوتسو)؛ و در عین حال، تفسیر موضوعی قرآن است؛ نه تفسیر بر حسب ترتیب مصحف. گمان کنم وی هنوز تصمیم به انتشار آرای تفسیری خویش نگرفته است (خاطرات شاگردی).

۶۷ محمد مجتهد شبستری (متولد ۱۳۱۵ش)، گرچه خود اثری مستقل در تفسیر قرآن به دست نداد، مبانی روش خود را در هرمنوتیک کتاب و سنت (تهران، طرح نو، ۱۳۷۵) بازنموده است. گذشته از این، رویکرد آگزیستانسیالیستی او در جلسات درس تفسیر دانشکده الهیات دانشگاه تهران، وجهه غالب کلاس درس است.

۶۸ مصطفی ملکیان (متولد ۱۳۳۵ش) در سلوک فردی و اخلاق شخصی خویش، معتقد به لزوم توجه به مبانی فلسفه آگزیستانسیالیستی است؛ اما در زندگی اجتماعی و شؤون وابسته بدان، تنها روش مجاز فلسفیدن را فلسفه تحلیلی می‌شناسد. بر همین مبنا در آثاری اخلاقی، هم‌چون شرح برخی بخش‌ها و مباحث اخلاقی نهج‌البلاغه، رویکردی آگزیستانسیالیستی دارد (خاطرات شاگردی). باین‌حال، در وسع اطلاع من، هنوز این دیدگاه در آثاری قرآنی جلوه نکرده است. از جمله مقالات وی در موضوعاتی مرتبط با مطالعات قرآنی، می‌توان «متن مقدس در دوران مدرن» (برای خلاصه آن، نک:

<http://www.farshadv.com/akhbar7/malekian2/matnemoghadasdar.php>

دسترسی در ۱/۱۰/۱۳۸۷، و

«رویکرد فمینیستی در تفسیر قرآن» (برای خلاصه بحث، نک:

<http://www.farshadv.com/akhbar7/>

بزرگ اسلامی در ذیل مداخل مرتبط با سوره قرآن کریم، همگی بازتاباننده این روش‌ها (برای نمونه، نک ذیل مداخل أنعام، أعراف، بقره، بینه، تبت، تکاثر). گذشته از این‌ها همه، وی پایه‌گذار یک روش ابتکاری در آموزش قرآن به نوآموزان است؛ روشی که از یک سو بر دستاوردهای روان‌شناسی آموزشی، و از دیگر سو بر روایات مرتبط با شیوه آموزش قرآن در عصرهای نزدیک به صدر اسلام مبتنی است (در این باره، نک لسانی، پروژه تحقیقاتی آموزش زبان قرآن، ارایه شده به مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۹ش). این روش همانند شیوه آموزش قرآن در صدر اسلام، بر «سمع» مبتنی است؛ نه «روخوانی» (نیز نک بهرامی‌پور، مجتبی، بررسی و شناخت مسائل و مشکلات روش‌های آموزش قرآن در مدارس ابتدایی و مقایسه دو روش «سمعی» و «روخوانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمای محمدعلی محمدعلی لسانی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۷ش).

۷۱. در خصوص روش علی صفایی حائری (۱۳۳۰-۱۳۷۸ش) که در آثار خود را (عین-صاد) معرفی می‌کند (برای زندگی و آثار وی، نک: یادنامه زنده‌یاد استاد علی صفایی حائری، قم، لیلۀ القدر، ۱۳۸۳ش)، باید گفت: او میان فهم متن بر پایه ۱. استنادات و شواهد درون متنی؛ ۲. تداعی مفاهیمی خاص، متأثر از مصادیق خارجی؛ ۳. رأی و نظر شخصی بدون استناد و غیر حاصل از تداعی‌ها فرق می‌نهاد. از دید او فهم بر پایه عامل نخستین، تفسیر متن بود؛ بر پایه دومی تأویل آن؛ و بر پایه سومی، همان تفسیر به رأی ناجایز. وی معتقد بود می‌توان بر پایه تداعی مفاهیمی خاص در ذهن، به ناخودآگاه ذهن مؤلف راه برد؛ اما این گونه اخبار از باطن، امری غیر از تفسیر و درواقع همان تأویل است (نک متن مصاحبه منتشر نشده در زمان حیات او در باره «مبانی تفسیر»، در پایگاه اینترنتی: http://www.einsad.com/signature-compress_mabaniye-tafsir.php، دسترسی من: ۱/ ۹/ ۱۳۸۷). بدین سان، وی می‌کوشد فهم خویش از قرآن را به شواهد متنی مستند کند. این شواهد متنی می‌توانند توجه به سیاق متن، روابط هم‌نشینی و جانشینی کلمات، مفردات، ساختار کلی متن، کلمات کلیدی، قواعد دستور زبان، و هر چیز دیگری از این دست باشند (نک تطهیر با جاری قرآن، سراسر کتاب). در خصوص رویکرد او نیز، هم‌چنان که از جای‌جای آثارش قابل درک است، وی عمیقاً دغدغه‌دار مفاهیم نوینی چون رشد [= پیشرفت]، عدالت، حکومت دینی، ایدئولوژی اسلامی و جز آن‌هاست. مهم‌ترین اثر تفسیری وی، تطهیر با جاری قرآن است (قم، لیلۀ القدر)، سه جلد و ناتمام. اثر مهم دیگر، روش برداشت از قرآن (قم، لیلۀ القدر)، و سه‌دیگر، تفسیر سوره عصر با عنوان رشد (قم، لیلۀ القدر، ۱۳۸۱ش).

۷۲. عمید زنجانی از شاگردان علامه طباطبایی، حوزویان آشنا با دانش حقوق نوین، و رؤسای دانشگاه تهران پس از انقلاب است. افزون بر تحصیل فقه، فلسفه، و تفسیر اسلامی، آثار وی، بیشتر جنبه‌های ارتباط میان فقه اسلامی و حقوق اساسی را کاویده‌اند. اثر مهم وی در تفسیر، روش‌شناسی تفسیر قرآن: مبانی و روش‌های تفسیر قرآن (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵) است.

۷۳. صادق لاریجانی از شخصیت‌های حوزوی است که آثار متعددی در زمینه فلسفه علم و کلام جدید برجای گذاشته است. وی در دهه ۱۳۷۰ش به سبب نقدهای روش‌مند خود بر دیدگاه‌های دکتر سروش، در محافل دانشگاهی بیش از پیش نامور شد. از جمله آثار مرتبط با فهم قرآن او، می‌توان به این مقاله اشاره کرد: «نقد تفسیرهای متجددانه از منابع اسلامی» (قبسات، سال ۲، ش ۱، بهار ۱۳۷۶): (ص ۹۵ - ۱۰۳).

۷۴. مهدی هادوی تهرانی (متولد ۱۳۴۰ش) از عالمان حوزوی است که افزون بر آثار متعدد در زمینه فقه، منطق و فلسفه اسلامی، آثاری نیز در حوزه‌های حقوق، و کلام جدید نوشته است (در باره وی، نک مروت، طیبه، «پای صحبت استاد مهدی هادوی تهرانی»، روزنامه قدس، ۱ خرداد ۱۳۸۵ش، ص ۱۴). از جمله آثار وی در حوزه فهم قرآن، می‌توان به این‌ها اشاره کرد: مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم (قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۷۷ش)، و «هرمنوتیک و اندیشه‌های تفسیری امام خمینی» (حضور، ش ۲۶/ ۲۷، زمستان ۱۳۷۷/ بهار ۱۳۷۸، ص ۱۷۸-۱۹۴/ ۱۲۰-۱۳۵).

۷۵. رجب‌علی مظلومی (۱۳۰۶-۱۳۷۷ش)، روان‌شناس و استاد علوم تربیتی، افزون بر آثار متعدد تخصصی که در آن‌ها نیز همواره به قرآن و حدیث نگریسته است، آثاری نیز در زمینه قرآن بر جای نهاده است. از آثار اوست: پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسندگان آن مکتب (تهران، بی‌نا، بی‌تا)، اخلاق و انسان از دیدگاه قرآن برای اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان (تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۱ش) و پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (تهران، آفاق، ۱۳۶۰-۱۳۶۲ش)، که این آخری، در ۵ مجلد، دربردارنده مقالات و کتاب‌های مختلف مؤلف از جمله اثر اول در باره تاریخ قرآن، روش فهم آن، و تفاسیر شیعی است.

۷۶. مهدی گلشنی (متولد ۱۳۱۷ش) استاد فیزیک، و نویسنده آثار و مقالاتی در زمینه تطابق دستاوردهای فیزیک با مضامین قرآن است؛ هم‌چون قرآن و علوم طبیعت (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش). وی ترجمه‌ای از قرآن کریم به انگلیسی را نیز ویرایش و بازنویسی کرده است (در این باره، نک خرمشاهی، «ترجمه انگلیسی جدید از قرآن کریم»، بینات، سال ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۷۳ش، ص ۱۰۸-۱۱۲).

۷۷. توسلی (متولد ۱۳۱۴ش) استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، و از دوستان و مروجان آثار علی شریعتی است. از آثار مهم او در دوران پس از انقلاب، جامعه‌شناسی دینی (تهران، سخن، ۱۳۸۰ش)، یا ترجمه اثری از محمد ارکون با عنوان اسلام دپروز و امروز (نگرشی نو به قرآن) (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش) است.

